



سلسلہ مباحث مہدویت

قرآن و ظہور حضرت مہدی

علی اصغر رضوانی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رضوانی، علی اصغر
 قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام / تألیف علی اصغر رضوانی. - قم مسجد مقدّس صاحب
 الزمان (جمکران)، ۱۳۸۵.
 ۷۲ ص.

ISBN 964 - 973 - 030 - 3

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
 ۱. مهدویت - جنبه‌های قرآنی. ۲. محمّد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -
 جنبه‌های قرآنی، الف. مسجد جمکران (قم). ب. عنوان.

۲۹۷/۱۵۹

BP۱۰۴/م۸۶/۵۵

م۸۵ - ۱۷۷۹۴

کتابخانه ملی ایران



انتشارات مسجد مقدّس جمکران

- | | | |
|--------------------------|--|--------------|
| <input type="checkbox"/> | قرآن و ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> | ■ نام کتاب: |
| <input type="checkbox"/> | علی اصغر رضوانی | ■ مؤلف: |
| <input type="checkbox"/> | امیرسعید سعیدی | ■ صفحه آرا: |
| <input type="checkbox"/> | انتشارات مسجد مقدّس جمکران | ■ ناشر: |
| <input type="checkbox"/> | تابستان ۱۳۸۵ | ■ تاریخ نشر: |
| <input type="checkbox"/> | اوّل | ■ نوبت چاپ: |
| <input type="checkbox"/> | سرور | ■ چاپ: |
| <input type="checkbox"/> | ۳۰۰۰ جلد | ■ تیراژ: |
| <input type="checkbox"/> | ۳۰۰ تومان | ■ قیمت: |
| <input type="checkbox"/> | ۳ - ۰۳۰ - ۹۷۳ - ۹۶۴ | ■ شابک: |

- | | | |
|--------------------------|---|--------------------|
| <input type="checkbox"/> | انتشارات مسجد مقدّس جمکران | ■ مرکز پخش: |
| <input type="checkbox"/> | فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران | |
| <input type="checkbox"/> | ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ | ■ تلفن و نمابر: |
| <input type="checkbox"/> | ۶۱۷ | ■ قم - صندوق پستی: |

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

قرآن و ظهور

حضرت مهدی «علیه السلام»

تألیف: علی اصغر رضوانی

فهرست مطالب

۷ مقدمه ناشر
۹ آیه اول
۱۰ معنای «استخلاف»
۱۱ معنای تمکین
۱۲ مقصود از کلمه «ارض»
۱۲ تبدیل خوف به امنیت کامل
۱۲ اقوال در مصداق آیه
۱۴ آیه دوم
۱۵ تطبیق آیه بر عصر ظهور
۱۷ آیه سوم
۱۹ مقصود از کلمه «الارض»
۲۰ مصداق «عبادی الصالحون»
۲۰ انطباق آیه بر عصر ظهور
۲۲ آیه چهارم:
۲۲ تعیین مصداق آیه
۲۴ آیه پنجم:
۲۵ ابعاد تربیتی قانون استبدال
۲۸ عقوبت استبدال در قوم حضرت موسی <small>علیه السلام</small>
۲۸ سنت استبدال در تاریخ امت اسلامی
۳۱ تأویل آیه در روایات

۳۲	آیه ششم:
۳۳	تأویل آیه بر زمان حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۵	آیه هفتم
۳۶	آیه هشتم
۳۸	آیه نهم
۳۹	آیه دهم

بررسی آیات تأویلی مهدویت

۴۵	نمونه هایی از تأویلات
۴۷	تأویل در قرآن
۴۸	تأویل در لغت
۴۹	تأویل در اصطلاح
۵۰	تفاوت تفسیر و تأویل
۵۱	بطن قرآن
۵۳	ضابطه و ملاک تأویل
۵۶	انواع نزول قرآن
۵۷	دیدگاه علامه طباطبایی در رابطه با تأویل:
۵۹	دیدگاه ابن تیمیه درباره تأویل
۶۱	نقد کلام ابن تیمیه
۶۱	آیا علم به تأویل تنها از آن خداست؟
۶۴	نمونه ای دیگر از تأویلات
۶۷	سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت
۶۸	فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می‌کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می‌دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده‌اند و با پوچ‌گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده‌اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حقّ جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات
مسجد مقدّس جمکران
حسین احمدی

با مراجعه به قرآن کریم پی به وجود آیات بسیاری می‌بریم که به موضوع مهدویت و ظهور منجی در آخرالزمان اشاره کرده است. اینک به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم:

آیه اول

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛^۱

«خداوند به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنها را خلیفه در روی زمین قرار می‌دهد، همان‌گونه که پیشینیان را خلافت بر روی زمین بخشید، و دین پسندیده را برپا خواهد کرد، و خوف آنها را به امنیت مبدل می‌کند، آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را بر من شریک نخواهند ساخت، و کسانی که بعد از آن کافر شوند فاسقند».

در این آیه وعده به سه چیز داده شده است: ۱ - استخلاف در زمین.

۲ - تمکین در زمین، ۳ - تبدیل خوف به امن.

معنای «استخلاف»

راغب در «مفردات» می‌گوید: «خلافت نیابت از غیر است به جهت غیبت کسی که از طرف او نایب شده و یا به جهت مرگ و یا عجزش، و یا به جهت شرف او، و به همین معنای اخیر است که گفته می‌شود: خداوند اولیایی در زمین به عنوان خلیفه خود قرار داده است».^۱

در مقصود و مراد به «استخلاف» چند احتمال داده شده است:

۱ - خداوند به مؤمنین و کسانی که عمل صالح به جای آورده‌اند وعده داده که آن‌ها را به خلافت الهیه برساند همان‌گونه که درباره حضرت آدم و داوود و سلیمان علیهم السلام این معنا در قرآن وارد شده است.

در مورد حضرت آدم علیه السلام می‌فرماید: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾؛^۲ «من در روی زمین خلیفه قرار می‌دهم» و در مورد حضرت داوود علیه السلام می‌فرماید: ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ﴾؛^۳ «ای داود! ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم».^۴

با این احتمال مقصود به ﴿الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ انبیا خواهد بود.

این احتمال بعید است؛ زیرا این جمله یا شبیه آن در قرآن بیش از پنجاه بار به کار رفته ولی در هیچ مورد از آن‌ها مقصود، انبیای گذشته نبوده است.

۲ - برخی دیگر می‌گویند: مراد به «استخلاف» آن است که آن‌ها را بر زمین مسلط سازد و زمین را بر ایشان به ارث گذارد.^۵ همان‌گونه که در آیه

۱. راغب اصفهانی، مفردات قرآن، ص ۱۷۴، ماده «خلف».

۲. بقره / ۳۰. ص ۳ / ۲۶.

۳. فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۴، ذیل آیه، تفسیر ماوردی، ج ۴، ص ۱۱۸، تفسیر بغوی، ج ۳،

ص ۳۰۰. ۵. المیزان، ذیل آیه.

دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾؛^۱ «زمین از آن خداست به هرکسی از بندگانش که بخواهد آن را ارث می‌دهد».

در این صورت مراد به ﴿الذین من قبلهم﴾ مؤمنین از امت‌های گذشته خواهند بود که خداوند، کفار و منافقین آن‌ها را نابود کرده و مؤمنین خالص رانجات داد، مثل قوم نوح و حضرت داوود، و قوم بنی اسرائیل و قوم هود و صالح و شعیب.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ وَلَتُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ﴾؛^۲

«کافران به پیامبران خود گفتند: ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد مگر این‌که به آیین ما باز گردید. در این حال پروردگارشان به آن‌ها وحی فرستاد که ما ظالمان را هلاک می‌کنیم. و شما را بعد از آنان در زمین سکونت خواهیم داد و این [موفقیت] برای کسی است که از مقام [عدالت] من بترسد و از عذاب [من] بیمناک باشد».

معنای تمکین

تمکین نسبت به هر چیز به معنای برقرار کردن آن در مکان است، و این کنایه است از ثبات و اضطراب ناپذیری آن چیز به طوری که اگر اثری داشته باشد هیچ مانعی جلوگیری از آن نباشد.

مقصود به «تمکین دین» آن است که خداوند دین را در جامعه مورد عمل مردم قرار دهد: ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً﴾ و اسلام را بر همه ادیان غالب سازد. و مراد به «دین مورد رضایت» همان دین اسلام است.

مقصود از کلمه «ارض»

در مقصود به کلمه «الارض» در آیه شریفه بین مفسرین اهل سنت اختلاف است، برخی مقصود به آن را زمین مکه و برخی زمین مدینه و برخی جزیره العرب دانسته‌اند. ولی نزد برخی دیگر مقصود کلّ روی زمین است. این معنا با روایات متواتر فراوان در موضوع حکومت عدل جهانی سازگاری دارد، و برخی از مفسرین نیز همانند آلوسی و قرطبی آن را انتخاب کرده‌اند، خصوصاً آن که کلمه «الارض» با الف و لام آمده که ظهور در استغراق دارد، در نتیجه شامل کلّ کره زمین می‌شود.

تبدیل خوف به امنیت کامل

جمله «وَلَيَبْدِلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ» نیز دلالت بر حکومت عدل جهانی در عصر ظهور دارد؛ زیرا می‌دانیم که مؤمنین در طول تاریخ گرفتار مشکلات و مورد ظلم و جور سلاطین و دشمنان بوده و در خوف به سر می‌بردند. این خوف تبدیل به امن و امنیت کامل که ظهور آیه در آن است نمی‌شود مگر در صورتی که سلطه مؤمنین تمام روی زمین را فراگیرد، که تاکنون چنین امری اتفاق نیفتاده است. در نتیجه: آیه به آینده‌ای درخشان و دارای نوید و امنیت اشاره دارد که مؤمنین به آن خواهند رسید.

اقوال در مصداق آیه

۱ - برخی معتقدند آیه در مورد اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده که در زمان خلفا به امنیت کامل رسیدند.^۱

۱. تفسیر فخر رازی، ج ۲۴، ص ۲۵، کشاف، ج ۳، ص ۲۵۱، تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۴۲۹.

۲ - برخی دیگر آیه را شامل عموم امت پیامبر اکرم ﷺ دانسته‌اند که زمین را به ارث خواهند برد.^۱

۳ - مطابق برخی دیگر از تفاسیر، آیه مربوط به زمان ظهور حضرت مهدی عج و عصر حکومت جهانی توحیدی اوست. این قول از جهاتی بر دو قول دیگر ترجیح دارد:

الف - با آیات دیگر که ظهور در غلبه دین اسلام در آخرالزمان بر سایر ادیان دارد سازگاری و مناسبت دارد.

ب - کلمه «الارض» که با الف و لام جنس آمده، با نبود قرینه‌ای بر انصراف آن بر سرزمین معینی، حمل بر تمام روی زمین می‌شود.^۲

ج - همان‌گونه که اشاره شد تبدیل خوف به امنیت کامل تاکنون انجام نگرفته و این تنها با حکومت گسترده مؤمنین بر روی زمین انجام می‌گیرد.
د - با مراجعه به روایاتی که در ذیل آیه فوق آمده این معنا نیز تأیید می‌گردد.

قرطبی در ذیل این آیه از پیامبر ﷺ نقل کرده که فرمود: «در آن روز بر روی زمین خانه‌ای نیست جز آن که خداوند کلمه اسلام را در آن وارد خواهد کرد»^۳
سدی از ابن عباس نقل کرده که آیه در مورد آل محمد علیهم السلام نازل شده است.^۴

۱. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۶۱۴. ۲. همان، جامع البیان، ذیل آیه.

۳. تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۴۲۹، درالمنثور، ذیل آیه.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۳.

از امام سجاد علیه السلام نیز نقل شده که فرمود: «آیه، در شأن حضرت قائم علیه السلام است».^۱
 امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «آیه در مورد قائم علیه السلام و اصحاب او است».^۲
 ر - در زمان خلافت چهارخليفة نیز امنیت کامل در سرتاسر دنیا پدید نیامد،
 خصوصاً آن که دو دشمن قدرتمند ایران و روم، اسلام را تهدید می کردند و لذا
 در طول سی سال، جنگ های زیادی به وقوع پیوست.
 فضل می گوید: «.. به امام صادق علیه السلام عرض کردم: این نواصب گمان
 می کنند که این آیه در شأن ابوبکر و عمر و عثمان و علی علیه السلام نازل شده است.
 حضرت فرمود: خداوند قلوب نواصب را هدایت نمی کند، چه زمانی دین مرضی
 خدا و رسول تثبیت شده و امر آن انتشار یافته، و خوف و شک از قلوب و
 سینه های مردم در عهد یکی از آن سه خلیفه و در عهد امام علی علیه السلام با ارتداد
 مردم بیرون رفته است. چه فتنه هایی که در ایام آن ها برانگیخته شد، و چه
 جنگ هایی به آن ها منسوب است که بین آن ها و کفار واقع شد».^۳

آیه دوم

خداوند متعال می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛^۴ «او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه آیین ها غالب گرداند هر چند مشرکان کراهت داشته باشند».

۱. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۴۴.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۲۶.

۳. تفسیر کنز الدقائق، ج ۹، ص ۳۳۵.

۴. توبه / ۳۳.

مقصود از هدایت در کلمه «بالهدی» هدایت الهی است که رسول خدا ﷺ را با آن مبعوث کرده است. و مراد به «دین حق» همان دین اسلام است که شامل عقائد و احکام و مجموعه معارف الهی می‌گردد.

در مورد ضمیر در «لیظهره» که به چه مرجعی باز می‌گردد در نظر مفسرین اختلاف است.

برخی آن را به رسول خدا ﷺ بازگردانده‌اند. و برخی دیگر آن را به «دین الحق» مرتبط دانسته‌اند، به این معنا که دین اسلام بر همه ادیان غلبه خواهد نمود.

قرائن و شواهد، مؤید احتمال دوم است؛ زیرا:

اولاً: مطابق قاعده «الاقرب یمنع الأبعد» ضمیر باید به «دین حق» بازگردد؛ زیرا از «رسول» نزدیک‌تر است.

ثانیاً: بین غالب و مغلوب باید مناسبت باشد، به این معنا که اگر دین مغلوب ادیان غیر اسلامی است، دین غالب نیز باید از جنس دین باشد که همان دین اسلام است

تطبیق آیه بر عصر ظهور

گروهی از مفسرین، آیه را به عصر ظهور امام زمان علیه السلام تطبیق داده‌اند؛ زیرا تنها در آن زمان است که هیچ کس در روی زمین نیست جز آن که وارد دین اسلام شده یا تحت سلطه اسلام قرار خواهد گرفت.^۱

۱. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۱، ص ۲۱۱، تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۲۱، تفسیر فخر رازی، ج ۱۲، ص ۱۰۴، تفسیر ثعلبی، ج ۵، ص ۳۵.

و برخی نیز معنای آیه را عام دانسته که دارای مصادیق مختلفی است و کامل‌ترین مصداق آن، عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.^۱

فخر رازی می‌گوید: «این بشارت از طرف خداوند است و باید در آینده تحقق یابد و طبق روایات این بشارت در زمان حضرت عیسی و حضرت مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت».^۲

طبری می‌گوید: «در زمان نزول حضرت عیسی علیه السلام تمام ادیان، باطل و نابود شده و تنها دین اسلام بر همه ادیان غلبه خواهد کرد».^۳

از سعید بن جبیر در ذیل آیه شریفه روایت شده که فرمود: «آیه مربوط به مهدی از اولاد فاطمه علیها السلام است که خداوند او را بر همه ادیان غالب خواهد کرد».^۴

سیوطی از جابر در تفسیر آیه فوق نقل کرده که فرمود: «این امر تحقق نخواهد یافت تا آن‌که هیچ یهودی یا نصرانی در روی زمین نباشد مگر آن‌که اسلام را انتخاب کند».^۵

از مجاهد و سدی و عکرمه نیز همین معنا و تفسیر رسیده است.

سدی و عکرمه گفته‌اند: «آیه مربوط به زمان خروج مهدی علیه السلام است که در آن زمان هیچ کس باقی نمی‌ماند جز آن‌که داخل در اسلام شود».^۶

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق نقل کرده که فرمود: «والله ما

۱. مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸.
 ۲. تفسیر فخر رازی، ج ۱۲، ص ۱۰۴.
 ۳. جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۰۹.
 ۴. الفصول المهمة، ص ۳۰۰.
 ۵. درالمنثور، ج ۴، ص ۱۷۶.
 ۶. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۴، ص ۱۷۸۶، وج ۱ ص ۲۱۱، تفسیر ثعلبی، ج ۵، ص ۳۵.

نزل تأویلها بعدُ ولا ينزل تأویلها حتى يخرج القائم عليه السلام، فاذا خرج القائم عليه السلام لم يبق كافر بالله العظيم...»؛^۱ «به خدا سوگند، تأویل آیه هنوز تحقق نیافته و نخواهد یافت تا آن که قائم خروج کند، و هنگامی که خروج کرد کافر به خدای عظیم در روی زمین باقی نمی ماند».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «زود است که برای شما مشرق‌های زمین و مغرب‌های آن فتح خواهد شد».^۲

محمد بن مسلم می گوید: شنیدم از امام باقر علیه السلام که می فرمود: «قائم از ما است که منصور به رعب و مؤید به نصرت است. زمین برای او جمع می شود. خداوند دین خود را به وسیله او بر همه ادیان غالب می گرداند اگرچه مشرکین از این امر کراهت داشته باشند. در زمین جای ویرانی باقی نمی ماند جز آن که آباد گردد. روح الله عیسی بن مریم فرود می آید و پشت سر او نماز خواهد گذارد».^۳

آیه سوم

خداوند متعال می فرماید ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛^۴ «مادر (زبور) بعد از (ذکر) نوشتیم که بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد».

۱. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۴۰۷، نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۰۹.

۲. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۳۷. ۳. نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۰۹.

۴. انبیاء / ۱۰۵.

در مقصود به «زبور» و «ذکر» در آیه فوق نزد مفسرین اختلاف است:
الف - برخی مراد به «زبور» را تمام کتب آسمانی و مراد به «ذکر» را
امّ الكتاب دانسته‌اند.

ب - برخی دیگر مراد به اول را کتاب‌های آسمانی و مراد به دوم را
خصوص تورات دانسته‌اند.

ج - احتمال سوم آن که مراد به زبور قرآن و مراد به ذکر تورات و انجیل
است.

د - احتمال چهارم آن است که مقصود به «زبور» زبور داوود علیه السلام و مراد به
«الذکر» تورات موسی علیه السلام است.^۱

قول اخیر اقرب به واقع است، زیرا:

اولاً: لفظ «من بعد» در آیه، حمل بر معنای حقیقی می‌شود، به جهت آن که
زبور بعد از تورات نازل شده است.

ثانیاً: کتاب داوود علیه السلام به اسم مزمور بوده و کتاب موسی به نام تورات بوده
است.

در زبور ۳۷ جمله ۹ - ۱۱ می‌خوانیم:

«.. زیرا که شیران منقطع می‌شوند ولی متوکلان به خداوند وارث زمین
خواهند شد و حال اندک است که شیر نیست می‌شود، هرچند مکانش را
استفسار نمایی ناپدید خواهد شد. اما متواضعان وارث زمین شده و از کثرت
سلامتی متلذذ خواهند گشت.»

۱. جامع البیان، ج ۱۰، ص ۱۰۳، زادالمسیر، ج ۵، ص ۲۹۱ - ۲۹۲.

در جمله ۲۹ می‌خوانیم: «صالحان وارث زمین خواهند شد و در آن تا ابد ساکن خواهند گشت».

مقصود از کلمه «الارض»

در این‌که مقصود از کلمه «الارض» چیست نزد مفسرین اختلاف است:

۱ - برخی همانند ابن عباس مراد از آن را زمین بهشت دانسته‌اند به دلیل آیه: «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ»؛^۱ «آن‌ها می‌گویند: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین را میراث ما قرار داد که هر جا بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم».

۲ - برخی دیگر همانند کلبی مقصود به آن را زمین دنیا دانسته‌اند که امت محمد ﷺ آن را وارث خواهند شد، به دلیل آیه «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛^۲ «موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خداست و آن را به هرکس از بندگانش که بخواهد واگذار می‌کند و سرانجام (نیک) با پرهیزکاران است».

۳ - برخی دیگر می‌گویند که مراد «زمین مقدس» است که امت محمد ﷺ آن را به ارث خواهند برد».^۳

۴ - برخی همانند علامه طباطبایی رحمته الله مقصود به «الارض» در آیه فوق را

۱. زمر / ۷۴. ۲. اعراف / ۱۲۸.

۳. تفسیر فخر رازی، ج ۲۲، ص ۲۲۹، جامع البیان، ج ۱۰، ص ۱۰۵.

مطلق زمین دنیا و آخرت «بهشت» دانسته‌اند، زیرا تخصیص به زمین دنیا بدون وجه است، لذا به عموم آن تمسک کرده و مقصود به آن را مطلق زمین دانسته‌اند.^۱

قول چهارم اقرب به واقع است؛ زیرا با مقایسه کلمه «الارض» در این آیه با آیات دیگر به دست می‌آید که مقصود به آن یا خصوص زمین دنیاست و یا تعمیم داده آن را شامل زمین آخرت نیز می‌دانیم.

مصدق «عبادی الصالحون»

در مورد «عبادی الصالحون» نیز مفسرین اختلاف نموده‌اند: برخی مراد از آن را امت محمد صلی الله علیه و آله و برخی نیز بنی اسرائیل و برخی دیگر شامل هر شخص صالحی دانسته‌اند.^۲

ولی بنا بر نظر صحیح، آیه معنای عامی دارد که شامل هر زمان و مکانی می‌شود، ولی مصداق اکمل و اتم آن مطابق روایات، زمانی است که مهدی موعود علیه السلام ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد نماید، در آن زمان است که تمام کره زمین در اختیار بندگان صالح خداوند قرار خواهد گرفت. شاهد این معنا آیات دیگر و روایات تفسیری ذیل آیه شریفه است.

انطباق آیه بر عصر ظهور

از جهاتی، آیه فوق را می‌توان بر عصر ظهور امام زمان علیه السلام تطبیق و انطباق نمود:

۱ - تفسیر مفسرین شیعه و سنی در دلالت آیه بر ارث بردن بندگان صالح خداوند در آخرالزمان.

۲. تفسیر زاد المسیر، ج ۵، ص ۲۹۲.

۱. المیزان، ج ۱۴، ص ۴۹۳.

ابن کثیر می‌گوید: «خداوند در این آیه شریفه بشارت می‌دهد بر بندگان صالح خود که در دنیا و آخرت آنان را سعادت‌مند کرده و آنان را وارث زمین و بهشت گرداند».^۱

«ألوسی» می‌گوید: «اگر بگوییم که این آیه مربوط به عصر مهدی علیه السلام و نزول عیسی علیه السلام است به اقوال دیگری احتیاج نیست».^۲

«حوی» در تفسیر آیه فوق می‌گوید: «این آیه شبیه آیه ۳۳ از سوره توبه است. این وعده الهی - ان شاء الله - مطابق آیه و روایات، قبل از نزول حضرت مسیح تحقق خواهد یافت».^۳

۲ - اطلاق آیه شامل تمام روی زمین و نیز تمام صالحان خواهد بود.

۳ - در ذیل آیه فوق روایاتی نقل شده که دلالت بر انطباق آیه بر عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام دارد.

ثوبان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «خداوند برای من زمین را جمع نمود پس من مشرق‌ها و مغرب‌های آن را مشاهده می‌کردم و امت من زود است که به آن خواهند رسید».^۴

امام باقر علیه السلام فرمود: «مقصود به «عبادی الصالحون» اصحاب مهدی علیه السلام در آخرالزمان هستند».^۵

۲. روح المعانی، ج ۱۷، ص ۹۵.

۴. تفسیر آلوسی، ج ۱۷، ص ۹۵.

۱. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۲۴.

۳. اساس فی التفسیر، ج ۷، ص ۳۵۱۰.

۵. مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶.

آیه چهارم

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛^۱ «اراده ما بر این قرار گرفته که بر مستضعفین زمین منت بگذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان (روی زمین) قرار دهیم».

منت در لغت به معنای نعمت سنگین است^۲؛ زیرا «منّ» در اصل به معنای سنگینی است و منت خدا همان نعمت‌های سنگین و ارزشمند اوست که به انسان‌ها ارزانی می‌شود^۳

مستضعف از ماده ضعف خلاف قوت است.^۴ و استضعاف آن است که کسی طلب ضعف شخصی را کند و مستضعف کسی است که ضعیف شمرده شده است.^۵

تعیین مصداق آیه

طبق سیاق آیه شریفه، مفسرین اهل سنت و شیعه، شأن نزول آیه را مربوط به قوم «بنی اسرائیل» می‌دانند.^۶ آن‌ها بودند که در روی زمین به استضعاف کشیده شده و خداوند آن‌ها را بر فرعونیان پیروز گرداند، ولی حقیقت آیه دلالت بر یک قانون کلی و اراده و مشیت همیشگی خداوند نسبت به مستضعفین تا روز قیامت دارد. خداوند اراده کرده که به حسب شرایط خاص،

۱. قصص / ۵. ۲. مفردات راغب، ص ۷۷۷، ماده «منّ».

۳. المیزان، ج ۱۶، ص ۱۰. ۴. مفردات قرآن، ص ۵۰۶.

۵. التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۷، ص ۳۰.

۶. مجمع البيان، ج ۷ - ۸، درالمنثور، ج ۶، ص ۳۹۲.

مستضعفین عالم را پیروز گرداند، که نمونه آن تحقق مشیت الهی نسبت به پیروزی بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود. نمونه کاملتر آن حکومت پیامبر اسلام ﷺ بعد از ظهور اسلام است. و مطابق روایات، مصداق کامل و تمام آن در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است که خداوند حکومت آن حضرت را که حکومت مستضعفین است در سرتاسر عالم گسترش خواهد داد، و کره زمین را پراز عدل و داد خواهد کرد. این معنا را می توان از قرائن و شواهدی استفاده کرد:

۱ - اراده خداوند در آیه فوق به صورت مضارع «نرید» بیان شده است که دلالت بر استمرار دارد، یعنی تا روز قیامت این اراده حتمی الهی پابرجاست که مستضعفین بر مستکبرین پیروز شوند، و این اراده در پایان تاریخ به صورت کلی عملی خواهد شد.

۲ - اراده حتمی الهی بر عنوان «مستضعفین» تعلق گرفته است، مستضعفین بنی اسرائیل خصوصیت ندارند بلکه آنها به عنوان یکی از مصادیق آن به حساب می آیند.

۳ - روایاتی که از طریق شیعه و سنی در ذیل آیه فوق وارد شده دلالت بر عمومیت این سنت و وعده و اراده الهی دارد.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «دنیا بعد از آن که در مقابل ما چموشی و سرکشی کرد همچون شتر بدخلق - که در بدو امر به فرزند خود شیر نمی دهد - به سوی ما روی آورد و در برابر ما رام می شود. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: «ونرید...»^۱

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۸، ح ۵۹، ینابیع الموده، ص ۴۲۷.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ هَذِهِ آيَةٌ مَخْصُوصَةٌ بِصَاحِبِ الْأَمْرِ الَّذِي يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ يُبِيدُ الْجَبَابِرَةَ وَالْفِرَاعِنَةَ وَ يَمْلِكُ الْأَرْضَ شَرْقًا وَ غَرْبًا فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا»؛ «همانا این آیه مخصوص به صاحب امری است که در آخر الزمان ظهور کرده و جباران و فرعونیان را نابود خواهد کرد. و شرق و غرب زمین را مالک می شود، پس زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که از ظلم پر شده است».^۱

آیه پنجم

خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛^۲ «ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما از آیین خود بازگردد [به خدا زیانی نمی رسد] خداوند جمعیتی را می آورد که آن ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند. در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومند، آن ها در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد [و شایسته ببیند] می دهد، و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست».

آیه فوق اشاره به «قانون استبدال» دارد. استبدال، ابدال، تبدیل، تبدل، به معنای قرار دادن شیء به جای شیء دیگر است. و در اصطلاح عبارت از تبدیل جامعه ای به جامعه دیگر است.

عواملی در تبدیل یک جامعه به جامعه دیگر دخیل است که عبارتند از:

۱ - طرد خلیفه به حق رسول خدا ﷺ که از جانب خداوند منصوب است.

۲ - کوتاهی در جهاد.

۳ - سهل انگاری در تطبیق دین در جامعه و رها کردن مبادی و ارزش‌های

اخلاقی و انحراف از شریعت دینی.

جامعه‌ای که جایگزین جامعه قبل می‌شود نیز دارای شرایطی است از آن جمله:

۱ - تمسک به ولایت خلیفه الهی که به عنوان جانشین رسول از جانب

خداوند معرفی شده است.

۲ - جهاد در راه خدا.

۳ - سعی و کوشش به جهت پیاده کردن اسلام در جامعه.

ابعاد تربیتی قانون استبدال

در قرآن کریم برای قانون استبدال دو بُعد تربیتی بیان شده است: یکی

سلبی و دیگری ایجابی.

۱ - بُعد سلبی: یعنی عقوبت جامعه‌ای که قرار است تبدیل به جامعه‌ای

دیگر شود. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِلَّا تَنْفَرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَاباً أَلِيماً

وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئاً وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۱؛ «اگر

[به سوی میدان جهاد] حرکت نکنید شما را مجازات دردناکی می‌کند و گروه

دیگری غیر از شما را به جای شما قرار می‌دهد و هیچ زیانی به او نمی‌رسانید

و خداوند بر هر چیزی تواناست».

۲- بعد ایجابی: که عبارت است از تکریم جامعه جایگزین. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»؛^۱ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از آیین خود بازگردد به [خدا زبانی نمی‌رسد]، خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند».

تحقق استبدال در تاریخ از آیات قرآن استفاده می‌شود که سنت استبدال در طول تاریخ در وسعت‌ها و محدوده‌های مختلف واقع شده و در آینده‌ای نه چندان دور نیز در سطح وسیع تحقق خواهد یافت.

استبدال در تاریخ قوم بنی اسرائیل

خداوند متعال می‌فرماید: «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»؛^۲ و ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم سپس آن را با ده شب دیگر تمام کردیم، به این ترتیب میعاد پروردگار با او، چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من در میان قومم باش. و آن‌ها را اصلاح کن، و از روش مفسدان پیروزی منما».

قوم حضرت موسی علیه السلام سه شرط سنت استبدال را عملی کردند:

الف - طرد خلیفه به حق رسول

خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعْجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَيْتُمُ الْأَوْحَاءَ وَأَخَذْتُمْ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَكَادُوا يَكْتُلُونَنِي

فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^۱؛ «و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من، بد جانشینانی برایم بودید (و آیین مرا ضایع کردید)! آیا در مورد فرمان پروردگارتان (و تمديد مدت میعاد او)، عجله نمودید (و زود قضاوت کردید؟!)) سپس الواح را افکند، و سر برادر خود را گرفت (و با عصبانیت) به سوی خود کشید؛ او گفت: «فرزند مادرم! این گروه، مرا در فشار گذاردند و ناتوان کردند؛ و نزدیک بود مرا بکشند، پس کاری نکن که دشمنان مرا شماتت کنند و مرا با گروه ستمکاران قرار مده!»

ب - کوتاهی در جهاد

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ* قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ...﴾^۲ «ای قوم! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته، وارد شوید! و به پشت سر خود بازنگردید (و عقب گرد نکنید) که زیانکار خواهید بود!» گفتند: «ای موسی! در آن (سرزمین)، جمعیتی (نیرومند و) ستمگرند؛ و ما هرگز وارد آن نمی شویم تا آن ها از آن خارج شوند؛ اگر آن ها از آن خارج شوند، ما وارد خواهیم شد!»

ج - دوری از ارزش های الهی

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَإِتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ خُلِيِّهِمْ عِجْلًا

جَسَدًا لَهُ خُورٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ^۱ «قوم موسی بعد (از رفتن) او (به میعادگاه خدا)، از زیورهای خود گوساله‌ای ساختند؛ جسد بی جانی که صدای گوساله داشت! آیا آن‌ها نمی‌دیدند که با آنان سخن نمی‌گوید، و به راه (راست) هدایتشان نمی‌کند؟! آن را (خدای خود) انتخاب کردند، و ظالم بودند!».

عقوبت استبدال در قوم حضرت موسی عجل الله فرجه

خداوند متعال در حکایت از حضرت موسی عجل الله فرجه می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ * قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَسْتَيْهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»^۲ «(موسی) گفت: «پروردگارا! من تنها اختیار خودم و برادرم را دارم، میان ما و این جمعیت گنهکار، جدایی بيفکن! * خداوند (به موسی) فرمود: «این سرزمین (مقدس)، تا چهل سال بر آن‌ها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید)؛ پیوسته در زمین (در این بیابان)، سرگردان خواهند بود؛ و در باره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار، غمگین مباش!»

سنت استبدال در تاریخ امت اسلامی

قرآن کریم به قانون استبدال در امت اسلام توجه بیشتری داشته است؛ زیرا آخرین استبدال تاریخی است، و این استبدال با سه شرط محقق خواهد شد:

۱ - غصب خلافت اولیای الهی

خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ

فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ^۱ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زیانی نمی‌رساند) خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند».

علی بن ابراهیم می‌گوید: «مخاطب این آیه اصحاب رسول خدا ﷺ است، کسانی که حق آل محمد را غصب نموده و از دین مرتد شدند. و در ذیل جمله ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ می‌گوید: «آیه در شأن قائم عجل الله فرجه و اصحاب او نازل شده است».^۲

۲- کوتاهی در جهاد در مقابل دشمنان الهی

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ * إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۳ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» بر زمین سنگینی می‌کنید (و سستی به خرج می‌دهید)؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟! با این که متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست! * اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید، شما را

۲. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۷۷.

۱. مائده / ۵۱ - ۵۶.

۳. توبه / ۳۸ و ۳۹.

مجازات دردناکی می‌کند، و گروه دیگری غیر از شما را به جای شما قرار می‌دهد؛ و هیچ زیانی به او نمی‌رسانید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست!»

۳ - کوتاهی در عمل به شریعت اسلامی

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ﴾؛^۱ «و هرگاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما می‌آورد پس آن‌ها مانند شما نخواهند بود (و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق می‌کنند)».

استبدال موعود در قرآن

در قرآن کریم به استبدال موعود اشاره شده است:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا﴾؛^۲ «ای مردم! اگر او بخواهد، شما را از میان می‌برد و افراد دیگری را (به جای شما) می‌آورد، و خداوند، بر این کار تواناست».

و نیز می‌فرماید: ﴿أَوْ لِيكَ الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾؛^۳ «آن‌ها کسانی هستند که کتاب و حکم و نبوت به آنان دادیم؛ و اگر (بفرض) نسبت به آن کفر ورزند، (آیین حق زمین نمی‌ماند؛ زیرا) کسان دیگری را نگاهبان آن می‌سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند».

اوصاف ایجابی مجتمع جایگزین

۱ - تمسک مجتمع جایگزین به ولایت الهی

۲. نساء / ۱۳۳.

۱. محمد ص / ۳۸.

۳. انعام / ۸۹.

خداوند متعال می‌فرماید: «... أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛
«در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند.»

۲ - التزام به عمل جهادی در مقابل دشمن

خداوند متعال می‌فرماید: «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»؛ «آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند.»

۳ - تمسک به اصول دین و شریعت و پیاده کردن ارزش‌های دینی در

جامعه

خداوند متعال می‌فرماید: «يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ يَزْدَدَ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»؛^۱ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی‌رساند؛ خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند»

تأویل آیه در روایات

با مراجعه به روایاتی که در ذیل آیه مورد بحث وارد شده پی می‌بریم که اهل بیت علیهم‌السلام آن را تأویل به اصحاب امام زمان علیه‌السلام نموده‌اند: سلیمان بن هارون عجلی می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: «انَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ مَحْفُوظٌ لَهُ أَصْحَابُهُ، لَوْ ذَهَبَ النَّاسُ جَمِيعًا أَتَى اللَّهُ لَهُ بِأَصْحَابِهِ... وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِمْ: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ...»؛ «همانا صاحب این امر محفوظ است. و او دارای اصحابی است که اگر تمام

مردم از بین بروند خداوند متعال اصحاب او را گرد او جمع می‌کند. آن‌ها هستند که خداوند در موردشان فرمود: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ...﴾^۱

آیه ششم

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾؛^۲ «با آنان پیکار کنید تا فتنه برچیده شود و دین همه مخصوص خدا باشد و اگر آن‌ها خودداری کنند خدا به آنچه انجام می‌دهند آگاه است.»

همین مضمون در سوره بقره آیه ۱۹۳ نیز تکرار شده است.

«فتنه» عبارت است از هر چیزی که موجب اختلال یا اضطراب است هرچه که موجب این دو امر شود فتنه نامیده می‌شود. فتنه مصادیقی دارد، مثل اموال و اولاد و کفر و دیگر امور در صورتی که موجب اختلال یا اضطراب شود.^۳

غالب مفسرین شیعه و سنی مطابق ظاهر آیه و روایات مقصود فتنه را «شُرک» دانسته‌اند.^۴

در این که مقصود به «قاتلوهم» جنگ ابتدایی است یا دفاعی برخی همانند قرطبی معتقدند که قتال در آیه، ابتدایی است زیرا:

۱. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۷۳. ۲. انفال / ۳۹.

۳. مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۹، ص ۲۳.

۴. تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۲۳۴. المیزان، ج ۲، ص ۸۱. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۳۱۷ و...

اولاً: سیاق آیه براین معنا دلالت دارد، چون می‌فرماید: ﴿وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾.

ثانیاً: این که پیامبر ﷺ فرمود: «من مأمورم که بجنگم تا هر کس لا اله الا الله بگوید»^۱.

تأویل آیه بر زمان حضرت مهدی عج

از طرقی می‌توان آیه فوق را بر ظهور حضرت مهدی عج و حکومت عدل توحیدی جهانی او منطبق کرد.

۱ - آیه شریفه دلالت دارد بر این که شرک و کفر (فتنه) باید ریشه کن شود و دین مخصوص خدا باشد و هیچ مشرکی در روی زمین نماند جز آن که کشته شده یا داخل دین اسلام گردد. این امر هنوز تحقق نیافته است، در حالی که می‌دانیم آرزوی الهی باید در یک روزی محقق شود و فتنه که همان شرک و کفر است از روی زمین برچیده شود و دین خالص برای خدا باشد. مطابق روایات مهدویت، این امر در عصر ظهور امام زمان حضرت مهدی عج اتفاق خواهد افتاد که مشرکی زنده نمی‌ماند جز آن که وارد اسلام گردد.

۲ - آیات دیگری همچون آیه ۳۳ از سوره توبه مؤید همین معنا است که از آیه فوق استفاده نمودیم. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾، «او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه آیین‌ها پیروز گرداند هر چند مشرکان کراحت داشته باشند».

ألوسی در تفسیر جمله «ویکون الدین کله الله» می‌گوید: «مقصود آن است که همه ادیان باطل از بین برود، یعنی یا اهل آن ادیان از بین رفته و هلاک شوند و یا از ترس و جهات دیگر به دین اسلام بگردند».^۱

همین معنا را برخی دیگر از مفسرین از جمله زمخشری، ابی سعود و شوکانی نیز در تفسیر خود آورده‌اند.^۲

ألوسی سپس می‌گوید: «گفته‌اند که تأویل این آیه تاکنون محقق نشده است و در هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام تأویل آن خواهد آمد و در آن عصر هیچ مشرکی بر روی زمین باقی نخواهد ماند».^۳

۳ - روایاتی که در ذیل آیات فوق آورده شده نیز دلالت بر همین معنا دارد: زراره می‌گوید از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه «وقاتلوهم حتی...» سؤال شد، حضرت فرمود: «لم یجئ تأویل هذه الآية و لو قد قام قائمنا بعد سیری من یدرکه ما یکون من تأویل هذه الآية. و لیبلغن دین محمد صلی الله علیه و آله ما بلغ اللیل حتی لایکون مشرک علی ظهر الارض»؛^۴ «هنوز تأویل آیه نیامده است، و اگر قائم ما قیام کند زود است که کسانی که او را درک کنند تأویل این آیه را ببینند. و دین محمد صلی الله علیه و آله به تمام نقاطی که شب پوشش آرام بخش خود را بر آن می‌افکند، خواهد رسید، تا این که در سراسر زمین، شرک و بت پرستی نماند».

نتیجه این که: هدف اصلی از قتال با مشرکین، به هر نحو از انحاء شرک،

۱. روح المعانی، ج ۹، ص ۱۷۴.

۲. کشف، ج ۲، ص ۲۲۰، تفسیر ابی سعود، ج ۳، ص ۹۶، فتح القدر، ج ۱، ص ۲۵۲.

۳. روح المعانی، ج ۹، ص ۱۷۴.

۴. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۰۳، نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۵۵.

آن است که شرک و کفر از جامعه و تمام روی زمین برچیده شود. انبیا علی الخصوص پیامبر اسلام ﷺ گرچه به دنبال این هدف و خواست الهی بوده و نهایت سعی و کوشش خود را در تحقق این هدف به کار بردند ولی می بینیم که هنوز این هدف در خارج تحقق پیدا نکرده است، و این نه به جهت ضعف یا کوتاهی انبیا و رسول گرامی اسلام است، بلکه هنوز شرایط برای تحقق آن پدید نیامده است. پس باید قبل از پایان تاریخ بشر این امید و آرزو و هدف خلقت در خارج تحقق یافته و پیاده گردد، و این بنا بر آنچه در روایات مهدویت آمده به دست باکفایت حضرت مهدی علیه السلام در سطح تمام عالم تحقق خواهد یافت.

آیه هفتم

خداوند متعال می فرماید: ﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عِقَبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱
 «(یاران خدا) کسانی هستند که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم نماز را برپا می دارند و زکات را ادا کرده و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست».

تمکین در لغت به معنای فراهم ساختن وسایل و ابزار کار است. و مراد به تمکین در زمین در آیه فوق یاری دادن مسلمانان بر دشمنانشان می باشد.^۲

۱. حج / ۴۱.

۲. جامع البیان، ج ۱۰، ص ۱۷۸، زادالمسیر، ج ۵، ص ۳۱۹.

آیه شریفه گرچه ممکن است اطلاق داشته باشد ولی مصداق کامل و اتم و اکمل آن عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است که یاران حضرت بعد از آن که بر تمام روی زمین مسلط شده و زمین در اختیارشان قرار می‌گیرد به وظایف دینی خود که برپایی نماز و اداء زکات و امر به معروف و نهی از منکر است خواهند پرداخت.

حاکم حسکانی از زیدبن علی نقل می‌کند که می‌فرمود: «هرگاه که قائم از آل محمد قیام کند می‌گوید: ای مردم! ما کسانی هستیم که خداوند شما را در کتابش وعده داده: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ...»^۱

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق نقل می‌کند که فرمود: «فهذه لآل محمد صلوات الله عليهم الى آخر الآية و المهدي علیه السلام و اصحابه يملكهم الله مشارق الارض و مغاربها و يظهر الدين و يميت الله به و باصحابه البدع و الباطل كما امانت الشقاة الحق حتى لا يرى اين الظلم، و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر»؛^۲ «این آیه در شأن آل محمد است، در شأن مهدی و اصحاب اوست، خداوند آنان را صاحبان مشرق‌های زمین و مغرب‌های آن قرار خواهد داد، دین را ظاهر کرده و به توسط او و اصحابش خداوند عزوجل بدعت‌ها و باطل را از بین می‌برد، آنگونه که تبه کاران، حق را نابود کرده بودند، تا این که اثری از ظلم دیده نشود. و امر به معروف کرده و نهی از منکر می‌کنند».

آیه هشتم

خداوند متعال می‌فرماید: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۰. ۲. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۸۲.

جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ؟^۱ «آیا جز این انتظار دارند که قیامت ناگهانی برپا می‌شود، پس نشانه‌های آن آمده است، اما هنگامی که بیاید تذکر آن‌ها سودی نخواهد داشت».

«اشراط» جمع شَرَط به معنای علامت است. و اشراط الساعة به معنای علائم قیامت است.

برخی از مفسرین شیعه و اهل سنت در ذیل آیه فوق روایات مهدویّت را ذکر کرده‌اند به جهت آن که تحقق ظهور مهدی علیه السلام را یکی از علائم مهمّ برپایی قیامت دانسته‌اند.

احمد و ابوداوود از ابو سعید خدری روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود تا آن که مردی از اهل بیتم فرمانروای زمین شود... زمین را پراز عدل و داد خواهد کرد آن گونه که قبل از آن پراز ظلم و جور شده باشد، این حکومت هفت سال طول می‌کشد».^۲

ترمذی نیز با سند صحیح از ابی هریره نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی باشد خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از اهل بیتم که هم نام من است متولی زمین گردد».^۳

در مصادر روایی و تفسیری شیعه نیز همین مضمون به نحو متواتر از پیامبر اسلام و اهل بیت معصومش علیهم السلام رسیده است.

امام حسن علیه السلام از امام علی بن ابی طالب علیه السلام و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده

۲. درالمنثور، ج ۷، ص ۴۸۷.

۱. محمد صلی الله علیه و آله / ۱۸.

۳. همان.

که فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود تا آن‌که قائم به حق قیام کند و این وقتی است که خداوند عزوجل اذن دهد. هرکس او را متابعت کند نجات یافته و هرکس از او تخلف نماید هلاک شده است...»^۱

آیه نهم

خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ»^۲ «اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می‌شود، اما نمی‌توانند (از چنگال عذاب الهی) بگریزند و آن‌ها را از مکان نزدیک می‌گیرند».

ماده «فزع» در لغت به معنای انقباض و نفرتی است که از چیزی خوفناک بر انسان عارض می‌شود و آن از جنس جزع است.^۳

مصطفوی در «التحقیق فی کلمات القرآن» می‌گوید: «فزع عبارت است از خوف شدید با اضطراب و وحشت که هنگام عارض شدن مکروه عظیمی دفعتاً عارض می‌گردد».^۴

مفسرین در تفسیر آیه فوق اختلاف نموده‌اند، برخی از آنان قائلند که آیه مربوط به لشکر سفیانی است که در آخرالزمان و قبل از ظهور مهدی علیه السلام بین مکه و مدینه در سرزمینی به نام بیداء در زمین فرو می‌روند.^۵ و برخی مراد به فزع را عذاب دنیا معنا کرده‌اند ولی معنای آن را عام گرفته‌اند، یعنی ممکن

۱. منتخب الاثر، ص ۲۲۳. ۲. سبأ / ۵۱.

۳. مفردات راغب، ص ۶۳۵. ۴. التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۹، ص ۸۱.

۵. تفسیر فتح القدر، ج ۴، ص ۴۰۷، درالمنثور، ج ۶، ص ۷۱۲.

است که مصادیق مختلفی داشته باشد که یکی از مصادیق آن «لشکر سفیانی» است.

ابن عباس در تفسیر آیه فوق می‌گوید: «مقصود به آن لشکر سفیانی است...»^۱

ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «والله لكانی انظر الی القائم علیه السلام وقد أسند ظهره الی الحجر... فاذا جاء الی البیداء یخرج الیه جیش السفیانی فیأمر الله الارض فتأخذ اقدامهم و هو قوله تعالی: (و لوتری اذ فزعوا...)؛ «به خدا سوگند که هر آینه نظر می‌کنم به قائم علیه السلام که به حجرالاسود تکیه داده است... هنگامی که به سرزمین بیداء می‌رسد لشکر سفیانی به سوی او حرکت می‌کند، خداوند به زمین امر می‌کند، پس از زیر پاهایشان گرفته می‌شود (در زمین فرو می‌روند)، و این است قول خداوند «وَلَوْ تَرَىٰ اِذْ فَزَعُوا»^۲

آیه دهم

خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ»^۳ «او سبب آگاهی در روز قیامت است، هرگز در آن تردیدی نیست و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است».

در این‌که ضمیر «انه» به چه باز می‌گردد دو احتمال وجود دارد:

۱. در المنثور، ج ۶، ص ۷۱۲.

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۷، نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۴۴.

۳. زخرف / ۶۱.

الف - به قرآن بازگردد که با سیاق آیات سازگاری ندارد.

ب - به حضرت عیسی علیه السلام بازگردد. این احتمال صحیح است؛ زیرا: اولاً: در آیات قبل و بعد از این آیه سخن از حضرت عیسی علیه السلام است. در این صورت معنای آیه این خواهد بود: «نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان به زمین که در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است علمی است که به وسیله آن آمدن قیامت معلوم می شود، زیرا نزول او از اشراف و علائم قیامت است.

این احتمال تأیید می شود با قرائت دیگری که اینگونه آیه را قرائت کرده است: ﴿وَ إِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلسَّاعَةِ﴾ که به معنای علامت و نشانه است. در این صورت معنای آیه چنین می شود: «نزول حضرت عیسی علیه السلام نشانه و علامت قیامت است».^۱

اکثر مفسرین همین معنا را قبول نموده اند.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چگونه است حال شما هنگامی که فرزند مریم در میان شما نازل شود در حالی که امام شما در میان شماست».^۳

هیتمی از ابوالحسین ابری نقل می کند: «اخبار متواتر و راویان فراوان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند: مهدی علیه السلام که از اهل بیت علیهم السلام پیامبر است خروج کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود. در همان زمان است که عیسی نزول کرده و به امام مهدی علیه السلام اقتدا خواهد نمود».^۴

۱. تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۹۴، تفسیر جامع البیان، ج ۱۳، ص ۹۰، تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۲۶۹.

۲. تفسیر فتح القدیر، ج ۴، ص ۶۷۲، صواعق المحرقة، ص ۷۳.

۳. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳. ۴. صواعق المحرقة، ص ۷۳.

صدیق حسن بخاری نیز می‌گوید: «همانا عیسی بعد از مهدی علیه السلام یا همراه با او نزول خواهد کرد و مهدی را در کشتن دجال کمک خواهد نمود، آن‌گاه در نمازهایش به مهدی اقتدا می‌کند».^۱

ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «از ما است کسی که عیسی بن مریم به او در نماز اقتدا خواهد نمود».^۲

محمد بن مسلم ثقفی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «قائم از ما به ترس و رعب یاری شده و به نصرت تأیید شده است... و روح الله عیسی بن مریم می‌آید و پشت سر او نماز می‌گذارد».^۳

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۲۲۲.

۱. الاذاعة، ص ۱۳۶.

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۰۹.

بررسی آیات
تأویلی مهدویت

یکی از اشکالاتی که اهل سنت به شیعه داشته و دارد وجود روایات تأویلی در حدیث شیعه است. آیات بسیاری به حضرت مهدی علیه السلام، ولادت، غیبت، ظهور و حکومت آن حضرت تأویل شده است. آیاتی که شأن نزول خاص داشته و با ملاحظه ظاهر آنها هیچ گونه تناسبی بین آنها و مورد روایت ملاحظه نمی‌شود. این‌ها چه نوع تفسیری است که در روایات آمده است؟ موضوعی است که در این اینجا مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

نمونه هایی از تأویلات

اینک به برخی از روایات تأویلی که در باب مهدویت آمده اشاره می‌کنیم:

۱ - درباره آیه دوم و سوم از سوره بقره ﴿الْم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ از امام صادق علیه السلام نقل شده که: متقین شیعیان علی علیه السلام و مقصود به غیب حجت (غائب) است.^۱

۲ - درباره آیه ۱۴۸ از سوره بقره ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تُكَونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾ از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «مقصود به خیرات «ولایت» است».^۲

۲. روضة کافی، ص ۳۱۳.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۰.

و نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده که مقصود از «يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» اصحاب قائم علیه السلام است.^۱

۳ - آیه ۸۳ از سوره آل عمران «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام بر قیام حضرت قائم علیه السلام تطبیق شده است.^۲

۴ - درباره آیه ۶۹ از سوره نساء «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقاً» از امام صادق علیه السلام نقل شده که مقصود از نبیین رسول خدا، و صدیقین، علی و شهداء، حسن و حسین و صالحین، ائمه و مقصود به «حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقاً» قائم از آل محمد علیهم الصلاة والسلام است.^۳

۵ - درباره آیه ۸ از سوره هود «وَلَئِنْ أَخْرَجْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ» از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «عذاب، خروج قائم علیه السلام است و مقصود از «أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ» اهل بدر و اصحاب آن است».^۴

۶ - درباره آیه ۸۰ از سوره هود «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ» از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «مقصود، قوت قائم علیه السلام است و رکن شدید سیصد و سیزده نفر از اصحاب او است».^۵

۷ - درباره آیه ۵ از سوره ابراهیم علیه السلام: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» از امام باقر علیه السلام

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۴. کتاب الغیبة، ص ۱۲۷.

۱. کتاب الغیبة، ص ۱۶۸.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۴۲.

۵. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۵۶.

نقل شده که فرمود: «ایام خداوند عزوجل سه روز است، روزی که قائم علیه السلام قیام می‌کند و روز کزه (رجعت) و روز قیامت».^۱

۸ - درباره آیه ۸۷ از سوره حجر: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «آن، هفت نفر از ائمه و قائم علیه السلام است».^۲

۹ - درباره آیه ۳۳ از سوره اسراء: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «او (منصور) قائم آل (بیت) محمد علیه السلام است که خروج می‌کند و به جهت ریخته شدن خون امام حسین علیه السلام، دست به کشتار می‌زند، و اگر اهل زمین را بکشد اسراف نکرده است».^۳

۱۰ - درباره آیه ۲۰ از سوره شوری: «وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «نیست برای او در دولت حق با قائم علیه السلام نصیبی».^۴

۱۱ - درباره آیه ۲۶ از سوره معارج: «وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ» از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «به خروج قائم علیه السلام».^۵

تأویل در قرآن

از جمله اعتراضاتی که اهل سنت نسبت به شیعه داشته و دارد، این است

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۰.

۴. کافی، ج ۱، ص ۴۳۵.

۱. خصال صدوق، ص ۱۰۸.

۳. کامل الزیارات، ص ۶۳.

۵. روضة کافی، ص ۲۸۲.

که می‌گوید: در تفاسیر روایی شیعه، روایاتی از اهل بیت پیامبر علیهم السلام نقل کرده‌اند که با ظاهر قرآن هیچ‌گونه ارتباط و سنخیتی ندارد!! آنان قرآن را بر امامان و فضایل و مناقبشان تطبیق و تأویل می‌نمایند، درحالی که ارتباطی با ظاهر قرآن ندارد. اینک درصدد بررسی این موضوع برمی‌آییم که معنای تأویل و ظاهر چیست؟ و بطن قرآن چیست؟ و آیا این تأویلات و معانی که در حقیقت بطون قرآن است، صحیح به نظر می‌رسد و مطابق با موازین کلام است یا خیر؟

تأویل در لغت

تأویل از ریشه «أَوَّل» به معنای «بازگشت به اصل» گرفته شده است. فیومی در «مصباح المنیر» می‌گوید: «آل الشيء يؤول أولاً ومآلاً: رجع».^۱ راغب اصفهانی می‌نویسد: «التأویل من الأوّل، أي الرجوع إلى الأصل».^۲ بنابر تعریف راغب، تأویل یک شیء؛ یعنی برگرداندن آن به مکان و مصدر اصلی خودش. و تأویل لفظ متشابه؛ یعنی توجیه ظاهر آن به طوری که به معنای واقعی و اصیل خودش باز گردد.

تشابه، گاه در گفتار (قول) است و گاه در کردار (عمل)؛ تشابه در گفتار، زمانی است که ظاهر تعبیر به گونه‌ای باشد که یا برای شنونده ایجاد شبهه کند و یا بتوان به وسیله آن در ذهن دیگران ایجاد شبهه نمود.

تشابه در عمل، زمانی است که ظاهر کرداری مشکوک و حیران‌کننده باشد، مانند اعمالی که مُصَاحِبِ موسی علیه السلام انجام می‌داد، و حضرت موسی نتوانست آن را تحمل کند.

۲. مفردات راغب، ماده اول.

۱. مصباح المنیر، ماده اول.

تأویل در اصطلاح

در قرآن کریم، تأویل به سه معنا به کار رفته است:

۱ - توجیه ظاهر لفظ یا عمل متشابه، به گونه‌ای صحیح که مورد قبول عقل و مطابق با نقل باشد، ممکن است آیه مبارکه: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾^۱ اشاره به توجیه ظاهر لفظ باشد؛ یعنی آنان که در دل‌هایشان انحراف است، از قرآن فقط آنچه را که مبهم است پیروی می‌کنند تا فتنه و آشوب برپا نمایند.

و جریان مصاحب موسی که در آیات سوره کهف بدان اشاره رفته است می‌تواند به عمل متشابه اشاره باشد: ﴿سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا﴾^۲ به زودی تو را به گزارش آنچه که بر آن صبر نتوانستی بکنی خبردار می‌کنم. آیه: ﴿ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا﴾^۳ این است گزارش آنچه که بر آن نتوانستی صبر کنی، می‌تواند به این معنا از تأویل اشاره داشته باشد.

۲ - تعبیر خواب؛ تأویل به این معنا هشت بار در سوره یوسف، آیات ۶، ۲۱، ۳۶، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰ و ۱۰۱ به کار رفته است.

۳ - فرجام و حاصل کار؛ یعنی آنچه که موضوع بدان منتهی می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾^۴ و پیمان‌ها را چون بکشید با ترازوی درست وزن کنید که این بهتر است و عاقبت آن نیکوتر است.

۱. سوره آل عمران، آیه ۷.

۲. سوره کهف، آیه ۷۸.

۳. سوره کهف، آیه ۸۲.

۴. سوره اسراء، آیه ۳۵.

و نیز می‌فرماید: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ»^۱ آیا آنان جز در انتظار تأویل آنند، روزی که وقت انجام آن بیاید. یعنی آیا در انتظار به سر می‌برند تا بدانند فرجام کار شریعت و قرآن به کجا ختم می‌شود؟ آگاه باشند که انتظارشان چندان به طول نخواهد انجامید و به سزای خویش خواهند رسید.

تفاوت تفسیر و تأویل

همان‌گونه که اشاره شد، در گذشته «تفسیر و تأویل» دو لفظ مترادف بود، لذا طبری در تفسیر خود «جامع البیان» آن دو را به یک معنا گرفته است، و در مورد تفسیر آیه می‌گوید: «القول من تأویل الآیة»، ولی در اصطلاح متأخران تأویل به معنایی مغایر با تفسیر و شاید اخص از آن به کار رفته است. تفسیر عبارت است از: رفع ابهام از لفظ دشوار و نارسا؛ از این رو تفسیر درجایی کاربرد دارد که به علت تعقید و پیچدگی در الفاظ، معنا مبهم و نارسا باشد. البته عوامل لفظی و معنوی در ایجاد تعقید نقش دارد. ولی تأویل عبارت است از: دفع شک و شبهه از اقوال و افعال متشابه. بنابراین تأویل در موردی به کار می‌رود که ظاهر لفظ یا عمل، شبهه‌انگیز باشد، به طوری که موجب پوشیدگی حقیقت معنای کلام و غرض اصلی گوینده شده باشد، و وظیفه تأویل کننده، برطرف کردن این خفا و نارسایی است. بنابراین تأویل علاوه بر رفع ابهام، همزمان دفع شبهه نیز می‌نماید. پس هر جا تشابهی در الفاظ باشد، ابهامی در معنا خواهد بود، لذا در تأویل، رفع ابهام و دفع شبهه توأم است.

بطن قرآن

برای تأویل در کلام پیشینیان معنای دیگری هم به کار رفته که در قرآن نیامده است، که آن عبارت است از انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه‌ای که در مورد خاصی نازل شده است. تأویل به این معنا، گاهی به «بطن»؛ یعنی معنای ثانوی و پوشیده‌ای که از ظاهر آیه به دست نمی‌آید هم تعبیر شده است، در مقابل «ظهر»؛ یعنی معنای اولیه‌ای که ظاهر آیه بر حسب وضع و کاربرد، آن معنا را می‌فهمانند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ما فی القرآن آیه إلا ولها ظهر و بطن»؛ در قرآن هیچ آیه‌ای نیست مگر این که دارای ظهر و بطن است. وقتی از امام باقر علیه السلام از معنای این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد، در پاسخ فرمود: «ظهره تنزیله و بطنه تأویله، منه ما قد مضی و منه ما لم یکن، یجری کما تجری الشمس والقمر»^۱ ظهر قرآن؛ یعنی تنزیل آن و بطن قرآن؛ یعنی تأویل آن. برخی از مصادیق تأویل آیات قرآن در گذشته روی داده و بعضی هنوز رخ ننموده است. قرآن و آیات آن همانند خورشید و ماه است که همواره در حرکت و پویایی‌اند. و در روایت دیگر، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اگر آیه‌ای از قرآن درباره قومی نازل شود و سپس آن قوم هلاک شوند، با هلاکت آنان، آیه نیز خواهد مرد - یعنی نزول آن انجام پذیرفته است - ولی قرآن همیشه زنده است - یعنی در مقام تأویل - و مفهوم آیات عام است، تا آسمان و زمین پا برجاست تمامی آیات قرآن از اول تا به آخر زنده است، و اقوام مختلف که در طی زمان می‌آیند، ناگزیر مصادیق آیات رحمت یا عذاب آن خواهند بود.»^۲

۱. بصائر الدرجات، ص ۱۹۶.

۲. تفسیر عیاشی، ص ۱۰، ح ۷.

این معنای تأویل دامنه‌ای بس گسترده دارد. و همین معناست که ضامن عمومیت قرآن است و موجب می‌شود قرآن در تمام زمان‌ها و دوران‌ها زنده و حاضر باشد؛ زیرا اگر مفاهیم فراگیر برگرفته شده از موارد خاص نباشد و آیه مختص همان مورد شأن نزول باشد، بسیاری از آیات بی‌ثمر خواهند بود.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ﴾^۱، آیه در مورد غنائم به دست آمده در جنگ بدر نازل شده است، ولی اگر شأن نزول آیه را کمی گسترده فرض کنیم - با شرایط خاص - شامل غنائم جنگ‌های دیگر نیز خواهد شد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه، با نظر به عمومیت «ما»ی موصول، غنیمت را به مطلق فایده و منافع حاصل از کسب و تجارت تفسیر می‌کند، به گونه‌ای که هر سودی را که صاحبان صنعت و تجارت و غیر آن‌ها در هر سال و به هر شکل به دست می‌آورند شامل می‌شود. لذا آن حضرت با استشهاد به آیه فرمود: «پرداخت غنائم و فواید در هر سال بر آنان (مسلمانان) واجب است.» و نیز خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾^۲ این آیه در مورد آمادگی دفاع از حریم اسلام نازل شد، و اقتضای شأن نزول آن این است که صاحبان ثروت باید مخارج جهاد را بپردازند و جلوی تسلط دشمن را بگیرند. ولی کلمه «سبیل» در آیه، تنها به معنای جهاد نیست، «سبیل الله»؛ یعنی راه اعلای کلمه دین و تحکیم و بسط فرمان خدا در روی زمین، که احتیاج به مخارج مالی دارد باید در راه آن مصرف نمود.

ضابطه و ملاک تأویل

برای آگاهی از دلالات کلام - اعمّ از دلالت خفی و جلیّ - شرایط و ملاک‌هایی وجود دارد که بدون رعایت آن‌ها، معانی دقیق کلام حاصل نخواهد شد. لذا همان‌گونه که تفسیر کلام دارای قوانین و ملاک‌هایی است که در اصول و منطق بررسی شده است، تأویل کلام - یعنی به دست آوردن معانی باطنی قرآن - نیز شرایط و قوانینی دارد که بی‌اعتنایی به آن‌ها، سر از تفسیر به رأی در می‌آورد.

به عبارت دیگر: تأویل چون از اقسام دلالت باطنی کلام است، جزو دلالت التزامی غیربیتن به شمار می‌رود، که آن هم به نوبه خود از اقسام دلالت لفظی است. و چون می‌دانیم تمام اقسام دلالت الفاظ ملاک‌هایی دارد، لذا تأویل هم که نوعی دلالت لفظی است اما غیربیتن، نیاز به ملاک شخصی دارد تا از محدوده تفسیر خارج شود. اینک به ملاک‌ها و شرایط تأویل صحیح اشاره می‌کنیم:

۱ - رعایت مناسبت و ارتباط تنگاتنگ بین معنای ظاهری و باطنی، از این رو چون تأویل عبارت است از مفهوم عام منتزع از فحوای کلام، ناگزیر در انتزاع این مفهوم عام، باید مناسبت لفظی یا معنوی رعایت شود.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ﴾^۱ معنای ظاهر آیه این است که انسان باید در غذای خود تأمل کند و ببیند که طبیعت چگونه مکان به دست آوردن آن را فراهم ساخته است، و با تأمل در آن، مقدار فضل

و عنایت و لطف و رحمت الهی را درخواست خواهد یافت، این معنای ظاهری آیه است. ولی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «منظور از آیه، علمی است که انسان می آموزد، دقت کند که این علم را از چه کسی دریافت می کند.»^۱

وقتی در این بیان امام علیه السلام دقت می کنیم، تناسب بین علم و غذا را به راحتی در می یابیم؛ زیرا علم، غذای روح است، از این رو باید احتیاط به خرج داد تا آن را از منبع اصلی و حقیقی اش به دست آورد، به ویژه اگر علم دین و احکام شریعت مقدّس و آیین توحید باشد که در آموختن آن از منابع اصیل باید کمال احتیاط را به عمل آورد.

و نیز خداوند می فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»^۲. معنای ظاهری آیه کاملاً روشن است، می گوید: نعمت وجود، وسایل زندگی و تداوم حیات، همه در گروی اراده الهی و براساس تدبیر جهان شمول اوست ... ولی امام باقر علیه السلام در ذیل آیه بیانی دارد که معنای باطنی و محتوای کلی آیه را روشن می سازد. حضرت می فرماید: «اگر امام و پیشوای خودتان را از دست بدهید و به او دسترسی نداشته باشید چه خواهید اندیشید؟»^۳ معلوم است که امام علیه السلام «مَاءٍ مَعِينٍ» در آیه را به پیشوای امت تفسیر می کند.

امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه فرموده است: «مراد از «مَاؤُكُمْ» علوم ائمه است و ائمه ابواب علم الهی اند، و در نتیجه مراد از «مَاءٍ مَعِينٍ» نیز علم ائمه است.»^۴

۲. ملک / ۳۰.

۱. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۹.

۴. همان.

۳. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۷۲۷.

آوردن استعاره «مَاءٍ مَّعِينٍ» برای علم نافع، آن هم در زبان پیامبر یا وصی او به ویژه وقتی که پشتوانه آن وحی الهی باشد، بسیار مناسب خواهد بود؛ زیرا همان طور که آب، منبع حیات مادی و منشأ اصلی امکان ادامه حیات بر روی کره خاکی است، علم نافع - به ویژه علم دین - نیز تنها پایه اساسی زندگی معنوی است و سبب سعادت دنیوی و جاودانگی اخروی انسان خواهد شد. بنابراین آب که مایه اصلی حیات است به مفهوم عام آن شامل علم نیز خواهد شد که ضامن حیات مادی و معنوی بشر است.

۲ - رعایت نظم و دقت در کنار گذاشتن خصوصیات کلام مورد تأویل و تجرید آن از قرائن خاصه، تا حقیقت و مغز آن در قالب مفهوم عام هویدا گردد. مقصود از این شرط همان است که در منطق از آن به عنوان قانون «سبر و تقسیم» و در اصول با عنوان «تنقیح مناط قطعی» یاد می شود.

خداوند متعال از زبان حضرت موسی علیه السلام نقل می کند: «رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيْرًا لِلْمُجْرِمِيْنَ»؛^۱ «پروردگارا! به پاس آن نعمت که به من دادی هرگز پشتیبان گناهکاران نخواهم بود.»

این آیه مبارکه سخن حضرت موسی علیه السلام است که به شکرانه نعمت های فراوان مادی و معنوی ای که خداوند به او ارزانی داشته، با لحنی شکرانه و تعهدآمیز بر زبان جاری ساخته است.

ولی این معنای ظاهری آیه مبارکه است. جای این سؤال هست که آیا این موضوع تنها به حضرت موسی به عنوان یک پیامبر و شخص صالح اختصاص

دارد یا حکم عقلی قطعی است که شامل همه صاحبان قدرت اعم از عالمان، ادیبان، حکیمان، صنعت گران و به طور کلی همه کسانی که خداوند به آنان نعمت علم و حکمت و توانایی سرنوشت ساز ارزانی داشته نیز می شود؟ بی تردید جواب مثبت است؛ زیرا عقل حکم می کند که این توانایی ها بیهوده در اختیار دارندگان آنها قرار نگرفته است و باید در جهت سعادت بندگان خدا و عمران و آبادانی زمین به کار رود.

این مفهوم کلی آیه، تنها با به کار گذاشتن خصوصیات و قرائن موجود در آیه، ممکن است، و در نتیجه ملاک حکم عام به دست می آید.

انواع نزول قرآن

از ظواهر ادله استفاده می شود که قرآن کریم سه نوع نزول داشته است:

۱ - نزول دفعی؛ خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾؛^۱

«همانا ما قرآن را در شب قدر (بر پیامبر صلی الله علیه و آله) نازل کردیم.» و در جای دیگر

می فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ﴾؛^۲ «همانا قرآن را در

شب مبارک نازل نمودیم، همانا ما نازل کننده ایم.»

از این آیات به خوبی استفاده می شود که همه قرآن در شب قدر، یک جا بر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است.

۲ - نزول تدریجی؛ از برخی آیات استفاده می شود که قرآن نزول دیگری

داشته؛ یعنی در طول ۲۳ سال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است. خداوند

متعال می فرماید: «وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»^۱ که مراد، نزول تدریجی است، به خلاف انزال که نزول دفعی است.^۲

۳ - نزول تأویلی؛ از مجموعه روایات تأویلی استفاده می شود که قرآن بار سومی هم بر پیامبر ﷺ نازل شده که همراه با بیان تأویلات و بطون آن از گذشته و آینده بوده است، که پیامبر ﷺ آن ها را در اختیار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قرار داده است. یا به تعبیر دیگر آنان از تأویلات قرآن به جهت این که از راسخون در علم اند، اطلاع داشته و لذا در احادیث خود آن ها را بیان کرده اند. این بطون و تأویلات قرآن در حقیقت پرده ای از اعجاز قرآن از حیث معنا است.

دیدگاه علامه طباطبایی در رابطه با تأویل؛

علامه طباطبایی رحمته الله درباره تأویل تحقیقی لطیف دارد. وی تأویل را چیزی جدا از مفهوم می داند و اساساً آن را از سنخ الفاظ و معانی و تعبیر نمی داند، او معتقد است تأویل، حقایق و واقعیت هایی است که جایگاه آن ها خارج از ذهن و عبارات است. به عبارت دیگر، واقعیت هایی ورای اذهان و عبارات است...^۳

سپس علامه می افزاید: «حق سخن در تأویل آیات قرآن آن است که تأویل، حقیقتی خارجی است که بیانات قرآن اعم از احکام و مواعظ و حکمت ها بدان مستند است. تأویل نسبت به تمامی آیات قرآن - چه محکم و چه متشابه - جاری است و نوعی مفهوم نیست که با الفاظ فهمانده شود، بلکه امور خارجی است فراتر از آن که در حیطة الفاظ درآید. و خدای سبحان

۲. معجم فروق اللغویة، ص ۷۹.

۱. اسراء / ۱۰۶.

۳. المیزان، ج ۳، ص ۴۸.

تنها به جهت تقریب به ذهن ما، آن امور متعالیه را در قالب الفاظ قرار داده و مقید به آن نموده است. این همانند «امثال» است که فراخور فهم شنونده ذکر می‌شود تا به واسطه آن به مقصود کلام نزدیک‌تر شود، و مطلب برایش آشکار گردد؛ از قبیل آیات مبارکه اول سوره زخرف: ﴿حَمَّ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ* إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ* وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ﴾^۱ ایشان در توضیح آیه می‌فرماید: بر پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله کتابی مبین به شیوه گفتاری و با زبان عربی عرضه شد، و علت این که در قالب زبانی، آن هم عربی عرضه شده، آن است که مردم آن را درک کنند، و گرنه قرآن نزد خداوند - لوح محفوظ - بلند مرتبه و بسی فراتر از دسترس فکر بشری است، بی آن که به فصل‌ها و بخش‌های گوناگون تقسیم گردد. بنابر این «کتاب مبین» در آیه مبارکه پیش عبارت است از اساس و منشأ قرآن که جایگاهی خاص در لوح محفوظ دارد، و بعدها لباس تنزیل بر قامت آن پوشانده شد. و این همان است که از آن به «امم الکتاب» و «لوح محفوظ» تعبیر شده است. بنابراین کتاب مبین - که روح و اصل قرآن است - خالی از تفصیل بوده و چیزی غیر از این کتاب منزل است و این کتاب منزل «بین الدفتین» در حکم لباس برای آن کتاب مبین به شمار می‌رود. قرآن در مرتبه «تنزیل» نسبت به «کتاب مبین» - که ما آن را حقیقت کتاب می‌نامیم - همانند لباس برتن و به منزله تجسم یک شیء نسبت به حقیقت آن و یا به منزله آوردن مثال برای روشن شدن مقصود از کلام است.»

آن‌گاه ادامه می‌دهد: «بنابر این تأویل واقعیت خارجی که موجب تشریح حکمی از احکام الهی یا بیان معرفتی از معارف الهی با پیدا شدن حادثه‌ای که مضمون یکی از قصه‌های قرآن است، گرچه چیزی نیست که خود امر و نهی یا بیان یا واقعه مورد نظر باشد، در هر حال (حکم یا بیان یا حادثه) چون از آن واقعیت خارجی نشأت گرفته و به مدد آن نمود یافته، به منزله اثری است که به صورت اشاره از آن حکایت دارد.

در پایان، نظر خویش را در مورد تأویل خلاصه کرده، می‌فرماید: «تأویل در لسان قرآن عبارت از حقیقتی است که در بطن شیء وجود دارد و مآل آن شیء بوده که بر آن متکی است، لذا تأویل رؤیا عبارت است از تعبیر آن، و تأویل حکم عبارت است از ملاک آن، و تأویل فعل عبارت است از مصلحت و غرض نهایی آن، و تأویل واقعه عبارت است از علت واقعی آن و ...»^۱

دیدگاه ابن تیمیه درباره تأویل

ابن تیمیه درباره تأویل می‌گوید: «تأویل در دیدگاه متأخرین عبارت است از: انصراف لفظ معنای راجح و قوی به معنایی مرجوح و ضعیف به خاطر دلیل و قرینه‌ای که معنای مرجوح با آن همراه شده است.»

آن‌گاه در ادامه می‌گوید: «اما تأویل از دیدگاه سلف و گذشتگان دو معنی دارد:

- ۱ - تأویل مترادف با تفسیر است، که نظر مجاهد همین است.
- ۲ - مصداق خارجی کلام، که اگر کلام جمله‌ای انشایی باشد، تأویلش خود

عمل مطلوب است. و اگر جمله خبریه باشد، تأویلش عبارت است از نفس وجود خارجی مخبر به...»^۱

ابن تیمیه باز در تفسیر سوره اخلاص در بیانی مفصل درباره تأویل آیات متشابه می‌گوید: «راسخان در علم، تأویل آیات متشابه را می‌دانند و این که جبرئیل و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اصحاب وی و تابعان و پیشوایان و علمای مسلمانان از تأویل متشابهات بهره‌ای نداشته باشند و هم‌چنان که علم به ساعت قیامت مختص به خداوند است، آگاهی از تأویل آیات متشابه هم در انحصار خداوند باشد، امری بسیار دور از واقع است. هر کس مدعی شود که اینان - جبرئیل و پیامبر و ... - از تأویل متشابهات بهره‌ای ندارند، مانند کسی است که عبارتی را می‌خواند بی آن که معنایش را دریابد...»^۲

آن‌گاه برای روشن شدن مطلب مثالی می‌زند، او می‌گوید: «اهل کتاب، آنچه در کتاب‌هایشان در ارتباط با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و صفات و اخبار آن حضرت آمده، به خوبی می‌دانستند، ولی این دانستن، شناخت معنای کلام (وجود ذهنی) و تفسیر آن است، اما تأویل آن اخبار، خود وجود خارجی پیامبر است که مبعوث شده، وقتی نسبت به وجود خارجی پیامبر علم پیدا کردند و ایمان آوردند، همین، تأویل آن اخبار و توصیفات موجود در کتاب‌هایشان است...»

انسان خوابی می‌بیند، معبر خواب را برای او تعبیر می‌کند، او هم مطلب را می‌فهمد؛ یعنی در ذهن تصور می‌کند. تحقق یافتن محتوای آن در عالم خارج، تأویل خواب است، نه تصور ذهنی آن و به زبان آوردن آن...»^۳

۱. رساله اکلیل، ص ۱۰ و ۱۷ و ۱۸.

۲. تفسیر سوره اخلاص، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.

۳. همان.

نقد کلام ابن تیمیه

کلام ابن تیمیه از یک جهت صحیح و از جهت دیگر نادرست است. کلام وی از این جهت که تأویل را شامل تمامی آیات قرآن؛ اعم از محکم و متشابه می‌داند، و هم از این جهت که آن را حقیقتی و رای مفاهیم و عبارات می‌شمارد، صحیح است. ولی از آن جهت که تأویل را فقط عین خارجی محض می‌داند کلام وی مورد قبول نیست؛ زیرا همان‌گونه که از مرحوم علامه طباطبایی نقل کردیم: عین خارجی، مصداق است نه تأویل؛ بلکه تأویل، حقایق جاری در بستر زمان و مصالح واقعی و اهداف و مقاصد معینی است که از رهگذر تکالیف و احکام و حکمت‌ها و پندها و آداب و رسوم مطرح شده در قرآن قابل تحقق است.

علامه طباطبایی رحمته الله در نقد کلام ابن تیمیه می‌گوید: «او اگر چه در پاره‌ای از مطالبی که مطرح کرده درست گفته، ولی در پاره‌ای دیگر بیراهه رفته است. وی در آنجا که می‌گوید: تأویل، اختصاصی به آیات متشابهات ندارد بلکه همه آیات قرآن را شامل می‌شود، و هم آنجا که گفته است: تأویل از نسخ مدلول فظی نیست بلکه امری خارجی است که کلام بدان وابسته و بر محور آن ستوار است، درست گفته، اما این‌که هر امر خارجی مرتبط با مضمون کلام، نتی اخبار مربوط به حوادث گذشته و آینده را از اقسام تأویل کلام می‌داند، مختی نادرست است.»^۱

آیا علم به تأویل تنها از آن خداست؟

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ

مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمَّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا...»^۱ «خدا کسی است که بر تو کتاب را نازل کرد، در حالی که برخی از آن آیات محکم می‌باشند که آن‌ها مرجع و اساس مسلم کتابند، و برخی آیات متشابه هستند، اما کسانی که در دل‌هایشان میل به کجروی و انحراف از استقامت است از متشابه کتاب پیروی می‌کنند برای فتنه و فریب دادن مردم و برای این‌که تأویلش را می‌خواهند و حال آن‌که تأویل آن را جز خداوند نمی‌داند و آنان که در علم خود ثابت قدمند که در مورد آیات متشابهات می‌گویند به آن ایمان داریم از پیش خدای ماست.»

در مورد وقف بر «الّا الله» در آیه فوق و شروع از «وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ»، و نیز به جهت وجود پاره‌ای روایات که دلالت دارد تنها خداوند از تأویل آگاهی دارد و راسخان در علم هم از تأویل آگاهی ندارند و علم آن را به خدای سبحان واگذار می‌کنند، این سؤال مطرح است که آیا علم به تأویل تنها از آن خداست؟

از جمله روایاتی که چنین دلالتی دارد، بخشی از خطبه «اشباح» در نهج البلاغه است. امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «پس ای سؤال کننده، بیندیش! و آنچه قرآن از وصف پروردگار به تو می‌نماید بپذیر و نور هدایت قرآن را چراغ راه خود گیر، و از آنچه شیطان تو را به دانستن آن وا می‌دارد، و کتاب خدا آن را بر تو واجب نمی‌شمارد و در سنت رسول و ائمه هدی نشانی ندارد، دست بردار

و علم آن را به خدا واگذار، که دستور دین چنین است و نهایت حق خدا بر تو این است. و بدان! آن‌ها که در علم دین استوارند، خدا آنان را از فرو رفتن در آنچه که بر آن‌ها پوشیده است و تفسیر آن را نمی‌دانند، و از فرو رفتن در اسرار نهان بی‌نیاز ساخته است و آنان را از این رو که به عجز و ناتوانی خود در برابر غیب و آنچه که تفسیر آن را نمی‌دانند اعتراف می‌کنند، ستایش فرمود. و ترک ژرف‌نگری آنان در آنچه که خدا بر آنان واجب نساخته را، راسخ بودن در علم شناسانده است. پس به همین مقدار بسنده کن! و بزرگی خدا را با میزان عقل خود ارزیابی نکن تا از تباه شدگان نباشی.»^۱

این خطبه از برجسته‌ترین خطبه‌های امیرالمؤمنین علی علیه السلام و دارای بهترین سند است، که ممکن است کسی به آن استدلال کند بر این که علم تأویل مخصوص خداوند متعال است.

در پاسخ این استدلال می‌گوییم:

اما در مورد آیه، ابن ابی الحدید می‌گوید: «برخی از قاریان، در آیه بر کلمه «إِلَّا اللَّهُ» وقف کرده‌اند، و برخی وقف نکرده‌اند، و این قول قوی‌تر است، زیرا گر تأویل متشابه را جز خدا کسی نداند، انزال این قبیل آیات و مخاطب قرار دادن مکلفین بر آن بیهوده خواهد بود، بلکه بالاتر، به این می‌ماند که عرب را از زبانی دیگر مورد خطاب قرار دهیم که قبح چنین کاری بر همگان معلوم است. و اما محلّ «يَقُولُونَ» از نظر اعراب می‌تواند نصب باشد تا حال راسخین» باشد، و می‌تواند کلامی مستأنف و مستقل باشد، به این معنا که

این دانایان به تأویل می‌گویند: به آن ایمان آوردیم. روایت شده که ابن عباس آیه‌ای را تأویل کرد، مردی از صحابه گفت: «وما يعلم تأویله إلا الله»، ابن عباس گفت: «والراسخون فی العلم»، و من از جمله راسخان هستیم.^۱

و اما نسبت به کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه که به آن استدلال کرده بودند می‌گوییم: شارحان «نهج البلاغه» همچون ابن ابی الحدید، راوندی، ابن میثم بحرانی و علامه خویی رحمتهما الله اتفاق نظر دارند که مراد امام علیه السلام از این کلام، صفات خداوند است، صفات حق توقیفی است و باید آن‌ها را تعبداً پذیرفت و کسی در پی شناخت کُنه آن نباشد، زیرا راهی برای شناخت حقیقت صفات او همچون حقیقت ذات او نیست. وظیفه ما آن است که خدا را آن‌چنان وصف کنیم که خودش در قرآن وصف کرده است، و خود را به زحمت بیهوده در جهت فهم حقایق این صفات نیندازیم؛ زیرا سدها و حجاب‌های چندی بر سر راه فهم این صفات نهاده شده و راهی برای رسیدن به حقیقت آن‌ها نیست، بنابراین باید در برابر آن‌ها سر تسلیم فرود آورد.

کلام حضرت علیه السلام در اینجا با آیات متشابه - که برای راسخان در علم، جهل بدان شایسته نیست - برخوردی ندارد؛ زیرا آراستگی آنان به زیور دانش، امکان معرفت تنزیل و تأویل را - با هم - برای ایشان فراهم ساخته است.

نمونه‌ای دیگر از تأویلات

تأویل آیه که همان اخذ به فحوای عام آیه بوده و از بطن آیه استفاده می‌شود، در صورتی است که خصوصیات آیه را که در اصل مقصود دخیل

نیست الفا کرده و مدلول التزامی آن را گرچه مخفی است تبیین کرده و به آن اخذ نماییم. لذا آن را در حکم سیاق کلام می‌دانند. و این از اسلوب‌های مفاهیم کلام نزد اهل لسان است؛ خصوصاً در صورتی که آن مفهوم با شواهدی از قرآن یا سنت یا دلالت عقل قطعی پشتیبانی شود. اینک به نمونه‌ای از تأویلات اشاره می‌کنیم:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾^۱.

ظاهر آیه دلالت واضحی دارد و آن این‌که: نعمت وجود، وسایل زندگی و تداوم حیات تماماً در گروی اراده‌ی خداوند متعال و بر طبق تدبیر گسترده و رحمت واسعه‌ی الهی است.

ولی از امام باقر علیه السلام کلامی رسیده که مربوط به جانب باطن آیه و دلالت فحوای عام آن است، و آن این‌که در تفسیر آیه فرمود: «إِذَا فَقَدْتُمْ إِمَامَكُمْ فَلَمْ تَرَوْهُ فَمَاذَا تَصْنَعُونَ»^۲، هرگاه امام خود را مفقود نمایید و او را مشاهده نکنید، چه خواهید کرد؟

از امام رضا علیه السلام نقل شده که در تفسیر آیه مورد نظر فرمود: «أَبَ شَمَا دَرَهَائِ شَمَا، اِمَامَانِدْ، وَ اِمَامَانِ دَرَهَائِ خِدَاوَنْدِ مِی‌بَاشَنْدِ: ﴿فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾؛ یعنی چه کسی برای شما علم امام را می‌آورد.^۳ عاریه آوردن آب گوارا برای علم نافع، خصوصاً علمی که مستند به وحی است از جانب پیامبر یا

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۰، ح ۳.

۱. ملک / ۳۰.

۳. تأویل الآیات، ج ۲، ص ۷۰۸.

وصی او امری معروف و شناخته شده است. همان‌گونه که آب اصل حیات مادی بوده و موجب امکان معیشت سالم است، همچنین علم نافع و به طور کلی علم شریعت، اساس امکان حیات معنوی در سعادت است. لذا خداوند متعال فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»^۱

بنابراین تأویل کلمه «ماء» به اعتبار این‌که منشأ حیات و زندگی است، مفهوم عام آن در نظر گرفته شده که شامل علم نیز می‌شود تا در برگیرنده حیات مادی و معنوی هر دو گردد.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

- ۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام
- ۲ - امامت در سنین کودکی
- ۳ - امامت و غیبت
- ۴ - غیبت صغری
- ۵ - غیبت کبری
- ۶ - وظایف ما در عصر غیبت
- ۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام
- ۸ - بررسی دعای ندبه
- ۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر
- ۱۰ - دفاع از مهدویت
- ۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی
- ۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان
- ۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان
- ۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث
- ۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل
- ۱۶ - مهدویت و جهانی سازی
- ۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸ - علایم ظهور
- ۱۹ - هنگامه ظهور
- ۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

- | | |
|--|---|
| خط نیریزی / الهی قمش‌های | ۱ - قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی |
| خط عثمان طه / الهی قمش‌های | ۲ - قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی) |
| خط عثمان طه | ۳ - قرآن کریم / وزیر (بدون ترجمه) |
| خط عثمان طه / الهی قمش‌های | ۴ - قرآن کریم / وزیر (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) |
| خط نیریزی / الهی قمش‌های | ۵ - قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) |
| انتشارات مسجد مقدس جمکران | ۶ - کلیات مفاتیح الجنان / عربی |
| خط افشاری / الهی قمش‌های | ۷ - کلیات مفاتیح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) |
| خط افشاری / الهی قمش‌های | ۸ - منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی) |
| خط خاتمی / الهی قمش‌های | ۹ - منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی |
| سید رضی <small>علیه السلام</small> / محمد دشتی | ۱۰ - نهج البلاغه / (وزیری، جیبی) |
| ویرایش حسین وزیری / الهی قمش‌های | ۱۱ - صحیفه سجادیه |
| واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران | ۱۲ - ادعیه و زیارات امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| حسین کریمی قمی | ۱۳ - آئینه اسرار |
| علی اکبر صمدی | ۱۴ - آثار گناه در زندگی و راه جبران |
| محمود ترحمی | ۱۵ - آخرین پناه |
| واحد تحقیقات | ۱۶ - آخرین خورشید پیدا |
| سید حمید رضا موسوی | ۱۷ - آشنایی با چهارده معصوم (۱ و ۲) / شعر و رنگ آمیزی |
| محمد حسن سیف‌اللهی | ۱۸ - آقا شیخ مرتضی زاهد |
| واحد پژوهش | ۱۹ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) |
| واحد تحقیقات | ۲۰ - ارتباط با خدا |
| واحد تحقیقات | ۲۱ - از زلال ولایت |
| علی اصغر رضوانی | ۲۲ - اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات |
| واحد پژوهش | ۲۳ - امامت، غیبت، ظهور |
| علم الهدی / واحد تحقیقات | ۲۴ - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام |
| سید محمد حسین کمالی | ۲۵ - امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق |
| آلمات آبسالیکوف | ۲۶ - امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> (روسی) |
| سهراب علوی | ۲۷ - امام رضا <small>علیه السلام</small> در رزمگاه ادیان |
| علی اصغر رضوانی | ۲۸ - امام‌شناسی و پاسخ به شبهات |

- ۲۹ - انتظار بهار و باران
 ۳۰ - انتظار و انسان معاصر
 ۳۱ - اهمیت اذان و اقامه
 ۳۲ - با اولین امام در آخرین پیام
 ۳۳ - بامداد بشریت
 ۳۴ - بهتر از بهار/کودک
 ۳۵ - پرچمدار نینوا
 ۳۶ - پرچم هدایت
 ۳۷ - پیامبر اعظم ﷺ و تروریسم و خشونت طلبی
 ۳۸ - پیامبر اعظم ﷺ و جهاد و برده‌داری
 ۳۹ - پیامبر اعظم ﷺ و حقوق اقلیت‌ها و ارتداد
 ۴۰ - پیامبر اعظم ﷺ و حقوق زن
 ۴۱ - پیامبر اعظم ﷺ و صلح طلبی
 ۴۲ - تاریخ امیرالمؤمنین ﷺ / دو جلد
 ۴۳ - تاریخ پیامبر اسلام ﷺ / دو جلد
 ۴۴ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی)
 ۴۵ - تاریخ سیدالشهداء ﷺ
 ۴۶ - تجلیگاه صاحب الزمان ﷺ
 ۴۷ - تشرف یافتگان (چهار دفتر)
 ۴۸ - جلوه‌های پنهانی امام عصر ﷺ
 ۴۹ - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی ﷺ
 ۵۰ - چهل حدیث / امام مهدی ﷺ در کلام امام علی ﷺ
 ۵۱ - چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم ﷺ
 ۵۲ - حضرت مهدی ﷺ فروغ تابان ولایت
 ۵۳ - حکمت‌های جاوید
 ۵۴ - ختم سوره‌های پس و واقعه
 ۵۵ - خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)
 ۵۶ - خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)
 ۵۷ - خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار)
 ۵۸ - دار السلام
 ۵۹ - داستان‌هایی از امام زمان ﷺ
 ۶۰ - داغ شقایق (مجموعه اشعار)
- واحد تحقیقات
 عزیزالله حیدری
 محمد محمدی اشتهاردی
 حسین ایرانی
 محمد جواد مروّجی طبسی
 شمسی (فاطمه) وفائی
 محمد محمدی اشتهاردی
 محمد رضا اکبری
 علی اصغر رضوانی
 علی اصغر رضوانی
 علی اصغر رضوانی
 علی اصغر رضوانی
 علی اصغر رضوانی
 شیخ عباس صفایی حائری
 شیخ عباس صفایی حائری
 واحد تحقیقات
 شیخ عباس صفایی حائری
 سید جعفر میرعظیمی
 میرزا حسین طبرسی نوری
 حسین علی پور
 حسین گنجی
 سید صادق سیدنژاد
 احمد سعیدی
 محمد محمدی اشتهاردی
 محمد حسین فهیم‌نیا
 واحد پژوهش
 عباس حسینی جوهری
 رضا استادی
 محمد علی مجاهدی (پروانه)
 شیخ محمود عراقی میثمی
 حسن ارشاد
 علی مهدوی

- ۶۱- در انتظار منجی (روسی)
- آلمات آبسالیکوف
- ۶۲- در جستجوی نور
- صافی، سبحانی، کورانی
- ۶۳- در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم)
- شیخ عباس قمی / کمره‌ای
- ۶۴- دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب‌های پیشاور)
- کریم شنی
- ۶۵- دلشده در حسرت دیدار دوست
- زهرا قزلقاشی
- ۶۶- دین و آزادی
- محمد حسین فهیم‌نیا
- ۶۷- رجعت یا حیات دوباره
- احمد علی طاهری و رسی
- ۶۸- رسول ترک
- محمد حسن سیف‌اللهی
- ۶۹- روزنه‌هایی از عالم غیب
- سید محسن خرازی
- ۷۰- زیارت ناحیه مقدسه
- واحد تحقیقات
- ۷۱- سحاب رحمت
- عباس اسماعیلی یزدی
- ۷۲- سخنرانی مراجع در مسجد جمکران
- واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- ۷۳- سرود سرخ انار
- اله بهشتی
- ۷۴- سقا خود تشنه دیدار
- طهورا حیدری
- ۷۵- سلفی‌گری (وها بیت) و پاسخ به شبهات
- علی اصغر رضوانی
- ۷۶- سیاحت غرب
- آقا نجفی قوچانی
- ۷۷- سیمای امام مهدی عج در شعر عربی
- دکتر عبداللهی
- ۷۸- سیمای جهان در عصر امام زمان عج (دو جلدی)
- محمد امینی گلستانی
- ۷۹- سیمای مهدی موعود عج در آئینه شعر فارسی
- محمد علی مجاهدی (پروانه)
- ۸۰- شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالعه)
- محمد حسین نائیجی
- ۸۱- شمس وراء السحاب / عربی
- السید جمال محمد صالح
- ۸۲- صبح فرا می‌رسد
- مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید
- ۸۳- ظهور حضرت مهدی عج
- سید اسدالله هاشمی شهیدی
- ۸۴- عاشورا تجلی دوستی و دشمنی
- سید خلیل حسینی
- ۸۵- عریضه نویسی
- سید صادق سیدنژاد
- ۸۶- عطر سبب
- حامد حجّتی
- ۸۷- عقد الدرر في أخبار المنتظر عج / عربی
- المقدس الشافعی
- ۸۸- علی عج مروارید ولایت
- واحد تحقیقات
- ۸۹- علی عج و پایان تاریخ
- سید مجید فلسفیان
- ۹۰- غدیر خم (روسی، آذری لاتین)
- علی اصغر رضوانی
- ۹۱- غدیرشناسی و پاسخ به شبهات
- علی اصغر رضوانی
- ۹۲- فتنه و هابیت
- علی اصغر رضوانی

- ۹۳ - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام
- ۹۴ - فرهنگ اخلاق
- ۹۵ - فرهنگ تربیت
- ۹۶ - فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها (پخش)
- ۹۷ - فوز اکبر
- ۹۸ - فریادرس
- ۹۹ - قصه‌های تربیتی
- ۱۰۰ - کرامات المهدی علیه السلام
- ۱۰۱ - کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۰۲ - کمال الدین و تمام النعمة (دو جلد)
- ۱۰۳ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)
- ۱۰۴ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)
- ۱۰۵ - گفتمان مهدویت
- ۱۰۶ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات
- ۱۰۷ - مام فضیلت‌ها
- ۱۰۸ - مشکاة الانوار
- ۱۰۹ - مفرد مذكر غائب
- ۱۱۰ - مکیال المکارم (دو جلد)
- ۱۱۱ - منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ
- ۱۱۲ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه
- ۱۱۳ - منشور نینوا
- ۱۱۴ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات
- ۱۱۵ - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات
- ۱۱۶ - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی
- ۱۱۷ - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد
- ۱۱۸ - مهربان‌تر از مادر / نوجوان
- ۱۱۹ - مهر بیکران
- ۱۲۰ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس)
- ۱۲۱ - ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا)
- ۱۲۲ - نجم الثاقب
- ۱۲۳ - نجم الثاقب (دو جلدی)
- ۱۲۴ - ندای ولایت
- سید محمد واحدی
- عباس اسماعیلی یزدی
- عباس اسماعیلی یزدی
- حسن صدری
- محمدباقر فقیه ایمانی
- حسن محمودی
- محمد رضا اکبری
- واحد تحقیقات
- واحد تحقیقات
- شیخ صدوق علیه السلام / منصور پهلوان
- حسن بیاتانی
- علی اصغر یونسیان (ملتجی)
- آیت الله صافی گلپایگانی
- مرحوم حسینی اردکانی
- عباس اسماعیلی یزدی
- علامه مجلسی علیه السلام
- علی مؤذنی
- موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- شیخ عباس قمی علیه السلام
- حسین ایرانی
- مجید حیدری فر
- علی اصغر رضوانی
- عزیز الله حیدری
- العمیدی / محبوب القلوب
- علامه مجلسی علیه السلام / ارومیه‌ای
- حسن محمودی
- محمد حسن شاه‌آبادی
- سید مهدی حائری قزوینی
- واحد تحقیقات
- میرزا حسین نوری علیه السلام
- میرزا حسین نوری علیه السلام
- بنیاد غدیر

- ۱۲۵ - نشانه‌های ظهور او
محمد خادمی شیرازی
- ۱۲۶ - نشانه‌های یار و چکامه انتظار
مهدی علیزاده
- ۱۲۷ - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات
علی اصغر رضوانی
- ۱۲۸ - نماز شب
واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- ۱۲۹ - نهج الکرامه گفته‌ها و نوشته‌های امام حسین علیه السلام
محمد رضا اکبری
- ۱۳۰ - و آن که دیرتر آمد
الله بهشتی
- ۱۳۱ - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات
علی اصغر رضوانی
- ۱۳۲ - وظایف منتظران
واحد تحقیقات
- ۱۳۳ - ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام
سید نورالدین جزائری
- ۱۳۴ - هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی)
میرزا احمد آشتیانی علیه السلام
- ۱۳۵ - همراه با مهدی منتظر
مهدی فتلاوی / بیژن کرمی
- ۱۳۶ - یاد مهدی علیه السلام
محمد خادمی شیرازی
- ۱۳۷ - یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)
محمد حجتی
- ۱۳۸ - ینابیع الحکمة / عربی - پنج جلد
عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب‌های فوق، می‌توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن‌های ۰۲۵۱-۷۲۵۳۳۴۰، ۷۲۵۳۷۰۰، تماس حاصل نمایید. کتاب‌های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می‌گردد.

سایر نمایندگی‌های فروش:

تهران: ۰۲۱-۶۶۹۲۸۶۸۷، ۶۶۹۳۹۰۸۳

یزد: ۰۳۵۱-۶۲۸۰۶۷۱-۲، ۶۲۴۶۴۸۹

فریدونکار: ۰۱۲۲-۵۶۶۴۲۱۲-۱۴